



دوره دوم  
**۲۱**  
 اساس سوسیالیسم  
 انسان است.  
 سوسیالیسم  
 جنبش بازگرداندن  
 اختیار به انسان است.  
**منصور حکمت**

www.m-hekmat.com

جمعه، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳

۳۰ آوریل ۲۰۰۴

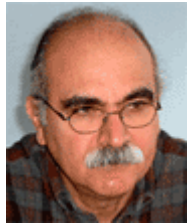
هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

# انترناسیونال

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416



## حزیت در خارج کشور

حمید تقوائی

بخش دوم: عضو و فعالیت متشکل

مانند حزب ما. اگر مساله شان روشن شدن و صرفا بحث و فحص بود دلیلی نداشت حزب ما را انتخاب کنند. هزار و یک انجمن و کلوب و بنیاد فکری و فرهنگی برای فعالیتهای فکری وجود دارد که میتوانستند برون عضو بشوند. اگر کسی حزب کمونیست کارگری

صفحه ۲

میشوند اما یک چیز مسلم است: کسی که عضو حزب ما میشود قبل از هر چیز می آید که یک کاری بکند. به هر دلیل و بخاطر هر مساله ای که عضو شده باشد امرش فعالیت در جهت هدف و حل مساله و هدف و آرمانی است که فی الحال دارد. آدمها برای تنویر افکار و روشن شدن عضو حزب نمیشوند، آنها حزب رادیکال و خلاف جریان

در شماره قبل به کمپینها و کار روتین حزبی در خارج کشور پرداختیم، در این شماره بحث را با عضو و شیوه ها و فعالیت اعضای حزب دنبال میکنیم.

### عضو و عضویت

اولین سوال اینست که چرا یک نفر عضو حزب میشود؟ افراد البته بدلیل مختلفی عضو حزب



## اول مه را تعطیل کنیم و به خیابان بیائیم



فردا، شنبه ۱۲ اردیبهشت، اول ماه مه  
روز جهانی کارگر است.

روز کارگر روز اعتراض به تمام نابرابریها و تبعیضات و بیحقوقی هاست. روز اعلام انزجار از نظام سرمایه داری، روز اعتراض به فقر و بیکاری، روز اعتراض به عاملان سیه روزی ما و روز اعلام آمادگی برای تغییر این اوضاع است. اول مه روز همه ما است. حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر کشور را به برپائی بزرگترین اجتماعات و راهپیمائی های اول ماه مه فرامیخواند. یکصدا و متحد همه جا را تعطیل کنیم و به خیابان بیائیم.

اینترنت و جمهوری اسلامی - محسن ابراهیمی صفحه ۳

اعتراض چایکاران و مردم در شمال ایران ادامه دارد صفحه ۴

در حاشیه رویدادها - سیاوش دانشور صفحه ۴



رژیم با فرستادن مسئولان وزارت آموزش و پرورش و برنامه بودجه و مامورین حراست و وزارت اطلاعات به جلسه کانونهای صنفی تلاش کرد از یکسو با دادن وعده و وعید و از سوی دیگر با تهدید و ایجاد رعب آنها را به لغو این حرکت که از پیش اعلام شده بود وادارد. همچنین رژیم با برپایی جنجال بر

صفحه ۳

معلمان اولتیماتوم داده اند که چون تاکنون به هیچ کدام از خواستههایشان پاسخی داده نشده است به اعتراضشان ادامه داده و روز ۱۳ اردیبهشت دست به اعتصابی سراسری خواهند زد. اعلام کرده اند که در این روز در تهران و در تمامی شهرها در برابر مراکز آموزش و پرورش جمع خواهند شد و خواستههایشان را پیگیری خواهند کرد. تصمیم معلمان مبنی بر اعتصاب در ۱۳ اردیبهشت ماه مثل همیشه با واکنش های متفاوتی از سوی رژیم روبرو شد. اینبار رژیم برای مقابله با اعتراض معلمان دست به ترفندهای جدیدی زده است.

## معلمان بر پیگیری خواستههایشان مصرند

با تمام قوا از  
مبارزاتشان حمایت کنیم

شهلا دانشفر

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **حزبیت در خارج کشور**

را انتخاب کرده میخواید بر اساس افکار و نظرات موجودش، در جهت خواست و انتقاد و اعتراضی که فی الحال به دنیا و زندگی دارد کاری انجام دهد. مسلماً در حزب ما و در پروسه این فعالیت، انتقاد و اعتراض عمیق تر و رادیکال تر و مارکسیستی تر خواهد شد. اما از همان قدم اول هدف و امرش دست به عمل زدن است. همه میدانند که حزب ما ارکان عمل است، یک حزب پارلمانی و رفرمیستی هم نیست که کارش انتخابات و رای جمع کردن از اعضا باشد، حزب عمل انقلابی برای تغییر وضع موجود است و وقتی کسی عضو ما میشود دقیقاً برای انجام همین نوع عمل، برای متشکل شدن و نقش ایفا کردن در عمل انقلابی حزب به سراغ ما آمده است. میدانم در حزب ما کار برای اعضا داوطلبانه است و باید هم اینطور باشد، اما بحث من در اینجا در یک سطح پایه ای تری است. صحبت هنوز بر سر وظایف و چارت تشکیلاتی و فرق بین کادر و عضو و غیره نیست. به اینها بعداً میپردازیم. در اینجا صحبت بر سر انگیزه افراد برای عضو شدن در حزب است و این دلیل و انگیزه، انتخاب یک نوع فعالیت و فراتر از آن میل و شوق انجام آن فعالیت برای تغییر وضع موجود است. بحث بر سر وظایف حزبی و ارجاع کار نیست، بلکه خواست و انتظاری است که یک فرد از عضویت در حزب دارد.

اجازه بدهید برای روشن تر شدن موضوع مثالی بزنم. وقتی کسی عضو کلوب کوهنوردی میشود، کوهپیمایی را دوست دارد و انتظار دارد با عضویت در کلوب، در یک کار سازمانیافته و جمعی برای کوهپیمایی شرکت کند. از این کار لذت میبرد و شاد میشود. دوست دارد در کوهنوردی آموزش ببیند و رشد و پیشرفت کند. ممکن است در این کلوب بعداً در جمع کوهنوردان وظیفه خاصی به او بسپارند، اما نفس کوهنوردی دیگر وظیفه نیست، علت و دلیل وجودی کلوب و عضویت فرد در آنست. رفتن اعضا به کوه اجباری نیست، اما کسی که نخواهد به کوه برود معلوم نیست اصلاً چرا عضو کلوب شده است. عضو حزب نیز مانند کوهنورد مفروض ما، اگر نمیخواهد کاری انجام دهد عضو نمیشد. و مانند کوهنورد مفروض ما، فعالیت

متشکل و سازمانیافته به همراه بقیه اعضا خواست و نیاز و انتظارش از ارگانیت است که به عضویتش در آمده است. کسی که عضو حزب میشود از زندگی و جامعه ای که در آن زندگی میکند راضی نیست، آنرا نمیخواهد و قبول ندارد و بالاخره یک روز با خود میگوید "باید یک کاری کرد". و ازینرو عضو حزب میشود. عضو تشکیلاتی که اولاً این اعتراض و نقد او را به زندگی و جامعه اش نمایندگی میکند و ثانیاً برای تغییر وضع موجود کار میکند. انتخاب حزب به معنای تشخیص این امر هم هست که این کار باید متشکل و جمعی صورت بگیرد. نفس با جمع بودن و در جمع بودن، با همفکران و هم مشترکی را به پیش بردن، بیرون آمدن از تنهایی و فردیت و پیوستن به یک تشکیلات، این خود علت پایه ای دیگری در جذب افراد به حزب است. برای عضو، مشترک و متشکل بودن کار برای تغییر وضع موجود، بهمان اندازه نفس انجام کار جذاب و پر کشش است. همان احساسی که یک کارگر از مجمع عمومی و یا اتحادیه و یا شورا میگیرد، همان احساس و قویتر از آن را عضو از حزب میگیرد. احساس قدرت و اطمینان و اعتماد به نفس. احساس خارج شدن از انزوا و تنهایی در نقد و اعتراض و کسب یک هویت گروهی مشترک. احساس تداعی شدن با حزب، به حزب نیرو دادن و از حزب نیرو گرفتن. احساس حزبیت. هر عضوی میخواهد با همفکرانش جمع شود و از خواستها و اهداف و آرمان مشترکشان، از کار و فعالیت مشترکی که دارند صحبت و تبادل نظر کند. این مراد به همفکران و همراهان نیز یک نیاز و خواست و احساس پایه ایست که هر کس از متشکل شدن در هر جمع و گروهی دنبال میکند. انجام یک فعالیت متشکل برای تغییر وضع موجود، این فلسفه وجودی حزب و علت پایه ای پیوستن هر کس به حزب است.

به همراه و حول کار کردن و متشکل شدن، فونکسیوهای دیگر حزبی در رابطه با عضو نیز شکل میگیرد و معنی پیدا میکند. وقتی که عضو از سر کار و فعالیتی که میخواهد انجام دهد، و نه عقاید و افکار و نظراتش، ببینید و تعریف کنید، آنوقت جای اندیشه و عقیده و ارتقای فکری نیز روشن میشود و

آموزش و رشد آگاهی عضو نیز سر جای خودش قرار میگیرد. نه تنها آموزش اعضا بلکه پروسه ارتقای عضو به کادر، رابطه کادرها با اعضا، نقش اعضا در پیشبرد کار روتین و کمپینها، در آکسیونها و میتینگهای حزبی، در پیشبرد فعالیتهای سراسری حزب مثل رادیو و تلویزیون، در سازمانهای جانبی و غیره و غیره نیز روشن میشود و روی پای خود قرار میگیرد. سازمان حزبی ما بر کادرها استوار است و دقیقاً به همین دلیل فعال کردن اعضای جدید و ارتقای آنان به سطح کادر نقش حیاتی در تداوم و گسترش فعالیت حزبی ما دارد. حزبی که اعضایش با این شیوه شروع به کار کرده و بار آمده باشند، ساختمان کادری بسیار مستحکم و قابل اتکائی خواهد داشت.

من در اینجا بیش از این وارد بحث رابطه میان کادر و عضو و سایر مکانیسمهای درونی حزب نمیشوم. این بحث جدید و نا آشنائی برای حزب ما نیست. صحبت بر سر کار روتین و مطالعه عضو بعنوان سنگ بنای حزب بود. اجازه بدهید همین بحث را با دقیق شدن روی فعالیت اعضا دنبال کنیم.

**فعالیت بر اساس طرحهای ساده و استاندارده**

اگر قبول کنیم که افراد با نیاز و انتظار انجام یک کار متشکل به حزب روی می آورند آنوقت حزب باید به این نیاز و انتظار پاسخ بدهد. باید بتواند هر عضو جدید را سازمان بدهد و کاری به او بسپارد. در همان آغاز کار باید لیست تعریف شده و استانداردی از فعالیتهای مختلف را در برابر عضو قرار دارد. لیستی که در آن کارها تسهیل شده باشد و به قطعات روشن عملی تقسیم شده باشد. این لیست کار برای اعضای جدید است و نباید بر قابلیتهای ویژه ای که معمولاً در اعضای مجرب و کادرها وجود دارد متکی باشد. هر عضو تازه باید بتواند بسته به مدت زمانی که میتواند در هفته به کار حزبی اختصاص دهد و بسته به تمایل و قابلیتهای خود کار معینی را از میان این لیست انتخاب کند. البته میتواند هیچیک را نیز انتخاب نکند اما این باید پس از مطلع شدن عضو جدید از انواع فعالیتهای که میتواند انجام بدهد و طرح و توضیح کل لیست برای او باشد. منصور حکمت همیشه میگفت عضویت در حزب ما باید ساده باشد و یک قدم

مهم در راه تسهیل عضویت همین ساده و روشن و قابل انجام کردن کارها برای اعضای جدید است. کارهای روتین حزبی نظیر تکثیر و پخش نشریات حزبی، گذاشتن میزکتاب، جمع آوری کمک مالی، ارتباط با ایرانیان و جذب افراد جدید به حزب، ارتباط با اهالی هر کشور و معرفی حزب و آثار حزب به زبان محلی، اینها از جمله فعالیتهایی است که باید با شرح و توضیح ساده و استاندارد و زمانبندی شده در این لیست تعریف شود. همه این نوع کارها را میشود و باید به قدمهای ساده یک و دو سه و چهار تقسیم کرد و به افراد مختلف سپرد. این لیست فعالیتهای پایه ای و روتین است اما این همه کاری نیست که حزب انجام میدهد. برای فعالیتهایی نظیر گزارشگری برای رادیو و تلویزیون، ترجمه آثار حزب، فعالیت در ارگانهای جانبی، کمک به تنظیم و اداره سایتیهای مختلف حزبی، کار با ارگانهای ستادی، فعالیت با ارگانهای جانبی و غیره نیز باید لیستهای کاری وجود داشته باشد. در مورد مجموعه کارهایی که در رابطه با آکسیونها و فعالیتهای کمپینی نیز صورت میگیرد نیز باید طرحهای استاندارد مدون داشت. مجموعه این لیستهای کاری باید برای هر کس که میخواهد از یکساعت تا چهل ساعت در هفته فعالیت حزبی کند کار تعریف کرده باشد. فعالیتهایی که بدقت و قدم بقدیم تعریف شده و لذا ساده و سرعت برای هر عضو تازه قابل فراگیری و انجام است. کار باید بقدری روشن و ساده و قابل انجام بوسیله هر کس که همین دیروز به صفوف ما پیوسته است باشد که نیازی به ذره ای از فداکاری نداشته باشد. هیچ تناقضی بین فعالیتهای حزبی و زندگی اجتماعی افراد نباید وجود داشته باشد. ما حزب انقلابیون جدا از جامعه و از خود گذشته نیستیم. حزب افراد عادی جامعه ایم و باید بتوانیم افراد را با همه مشغله های شغلی و خانوادگی و مسائل دیگری که ممکن است داشته باشند فعال کنیم. اینها آمده اند که فعالیت سیاسی کنند، نیامده اند که کار و بار روزمره شان را تعطیل کنند و یا تحت الشعاع کار سیاسی شان قرار بدهند. این هم جنبه مهم دیگری از ساده کردن عضویت در حزب است.

طرحهای مدون فعالیتهای حزبی

جزء مجموعه اسناد پایه است که مبنای کار و آموزش کاری هر عضو جدیدی قرار میگیرد. نقش کادرهای حزب در این رابطه راهنمایی و آموزش عضو در پیشبرد فعالیتهای است که انتخاب کرده است. کادر در واقع عضو مجرب و با سابقه ایست که در پروسه مشابهی رشد کرده و خود از مجموعه ای از کارهایی که اعضا میتوانند انجام دهند را در سطح عالیتر و با کیفیت بالاتری به پیش میبرند. عضو در یک پروسه عملی در کنار کادر فعالیت خود را شروع میکند و رشد و ارتقا پیدا میکند. اعضای امروز کادرهای فردا را میسازند و بنوبه خود اعضای جدید به حزب جذب میکنند و آموزش میدهند. و به این ترتیب استمرار و رشد و گسترش تشکیلات حزبی در خارج کشور با مجموعه وظایف متنوعی که در برابر خود دارد تامین و تضمین میشود.

این سبک عضوگیری و فعالیت حزبی، کار روتین، فعالیتی که خود حزب مستقل از کمپینها و سازمانهای جانبی اش باید به پیش ببرد، را در محور کار قرار میدهد و این بهترین تضمین برای پیشبرد ادامه کار و موفق کمپینهای حزبی در عرضه های مختلف نیز هست. با استاندارد و روتینیزه شدن این فعالیتهای در حزب ماشین حزبی بوجود می آید که سازمان پایه و زیربنای کمپینها و سازمانهای و نهادهای متنوع در عرصه های مختلف مبارزه را میسازد و همه این نبردها را با همجهت و هماهنگ میکند.

وقتی عضوگیری و فعال کردن عضو را بر این مبنا قرار دهیم، آنوقت رابطه فعال و مستمری بین حزب و جامعه برقرار کرده ایم. آنوقت ماشین فعالی ساخته ایم که از نظر ارتباط با ایرانیهای مقیم هر کشور، در ارتباط با مردم هر کشور و مبارزه و نقد و اعتراضاتی که در هر کشور در جریان است، از نظر تامین مالی حزب و فعال کردن منابع و امکانات مختلف جامعه در خدمت مبارزه حزبی، رشد عضوگیری و رونق گرفتن و فعال شدن خانه های حزبی و میتینگها و آکسیونها و کمپینهای حزبی و خلاصه از نظر حضور قدرتمند حزب در خارج کشور، سازمانی موفق و پیشرو و رو به رشد است. \*

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**  
**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## اینترنت و جمهوری اسلامی

محسن ابراهیمی



میدانیم که جمهوری اسلامی را اشباح متنوعی محاصره کرده اند. دو پدیده ای که جمهوری اسلامی از همان اول سرکار آمدنش از آنها مثل جن از بسم الله میترسیده و هر روز بیشتر از گذشته میترسد جوانان و زنان بوده اند.

زنان برای حکام اسلامی آنچنان شیخ خوناکی هستند که سالهاست میتوان از موقعیت زنان فهمید که تناسب قوا میان حکومت اسلامی و مردم در چه وضعی است. وقتی جمهوری اسلامی میخواهد مردم را بترساند زن آزارش را افزایش میدهد؛ او با شوش را به خیابان میفرستد تا مواظب حرکات زنان باشند. از نقطه مقابل، وقتی رنگ مانتوها روشنتر میشود، وقتی روسری ها عقبتر میروند، وقتی موهای بیشتری دیده میشوند، میتوان فهمید که توان سرکوب سپاه و پلیس اسلامی پایین آمده است؛ معلوم میشود که ترس مردم بیشتر ریخته است؛ معلوم میشود که اوضاع بیشتر به نفع مردمی است که میخواهند از شر حکومت اسلامی رها شوند.

مدتهاست شبخ تازه ای بر این دو شبخ زنان و جوانان اضافه شده است. این شبخ اینترنت است.

هفته گذشته پلیس تهران اطلاعیه ای صادر کرد و در آن زنان و جوانان را ارشاد کرد که از این پدیده مضر و خطرناک و شیطنانی دوری کنند!

اطلاعیه پلیس، به زنان و جوانان هشدار داد که اینترنت قایقی است در يك اقیانوس که میتواند انسان را به سواحل زیبا ببرد اما در این اقیانوس کوسه های خطرناکی وجود دارند! هشدار داد که اینترنت اعتیاد میآورد. هشدار داد که مبادا جوانان به جای دوستان واقعی در جامعه، خودشان را با دوستان مجازی در اینترنت مشغول کنند!

اما چه کسی نمیداند که اتفاقا زنان و جوانان از دست کوسه های اسلامی که در مدرسه و دانشگاه و کوچه و خیابان و حتی اتاق خوابشان پرسه میزنند، اینچنین با شور و شوق به سواحل زیبای اینترنت هجوم آورده اند! زنان و جوانان وارد دنیای اینترنت

میشوند تا لحظاتی از باتلاق پر از کوسه های اسلامی که هر روز شادی و عشق و امیدشان را لت و پار میکنند دور شوند. زنان و جوانان، در اقیانوس اینترنت راهی برای رها شدن از گنداب غم انگیزی که جمهوری اسلامی برایشان تدارک دیده جستجو میکنند!

جمهوری اسلامی دنیای ممنوعیات است. اینترنت دنیای دسترسی به این ممنوعیات. در جمهوری اسلامی دانش سرکوب میشود، عشق ممنوع است، رابطه آزاد جنسی حرام است، رقص کفر است. اینترنت دروازه ای است برای ورود به جهان این ممنوعیات. میتوان گفت جهان بسته جمهوری اسلامی با جهان باز اینترنت در حال دوئل دائمی هستند و البته از پیش معلوم است برنده این دوئل کدام طرف است.

پلیس جمهوری اسلامی همچنین دل نگران اعتیاد جوانان به اینترنت شده است. این دیگر شرم آور است که پلیس اسلامی از اعتیاد جوانان حرف میزند در حالیکه نسل عظیمی از همین جوانان زیر فشار دنیای ماتم زده اسلامی، زیر فشار بیکاری، زیر فشار محرومیت از ابتدایی ترین نیازهاشان به انواع مواد مخدر پناه برده اند؛ در حالیکه در جمهوری اسلامی رکورد اعتیاد در میان کم سن و سال ترین بخش جمعیت، رکورد جهانی را شکسته است.

جالب است که حکام اسلامی که جوانان را از اینترنت برحذر میکنند خودشان حوزه علمیه قم و مشهد را به پیشرفته ترین کامپیوترها و شبکه های اینترنت مجهز کرده اند. آیت الله ها وب لاگهای شخصی راه انداخته اند. امروز دیگر مثلا برای قرآنت و آموزش قرآن، مثل طلبه های ۳۰ سال پیش چهار زانو و ریش تا ریش در مقابل قرآن نمی نشینند و سرشان را مثل پیستون ماشین جلو و عقب نمیبرند. دهها سایت آموزش و تفسیر قرآن راه انداخته اند. دل و روده احکام و احادیث و آیات قرآن و چرندیات خمینی را در اقیانوس اینترنت ریخته

صفحه ۴

## از صفحه ۱ معلمان بر پیگیری خواستهایشان مصرند

سر اینکه حقوق معلمان افزایش یافته است و با تبلیغ اینکه معلمان با تعطیل مدارس دانش آموزان را رها کرده و به امر آموزش آنان لطمه خواهد خورد، کوشید که از حمایت خانواده ها از حرکت اعتراضی معلمان جلوگیری کند. در همین رابطه به احضار و ارباب نمایندگان کانونهای صنفی معلمان و معلمان مبارز پرداخت. اما هیچکدام از این تلاشها نتوانست تاثیری در تصمیم و عزم جزم آنان بگذارد و هم اکنون ما شاهد جنب و جوش وسیعی در مدارس و تدارک اعتصابی دیگر از سوی معلمان هستیم.

رژیم امروز درست در شرایطی که معلمان در تدارک اعتصابی سراسری هستند، بر سر اینکه حقوق معلمان افزایش یافته جنجال بر پا کرده است، تا اولاً با سایه انداختن بر روی خواست افزایش حقوقها و مخدوش کردن آن در میان صفوف متحد آنان شکاف بیندازد، و ثانیاً با ادعای اینکه به خواست افزایش حقوقها و یکسان سازی آن پاسخ داده شده، از مقبولیت خواست و اعتراض آنان در سطح جامعه بکاهد. برای پیشبرد این سیاست رژیم کوشیده است با طرح همزمان میزان افزایش حقوق معلمان در کنار طرح رتبه بندی شغلی آنان و وعده پرداخت طلبهای معوقه آنان، معلمان را در دنبال کردن خواست مستقیم افزایش حقوقها سردرگم کند. تحت عنوان رتبه بندی مشاغل و احاله کردن افزایش حقوق به فاکتورهای دلخواهی و پوچ کیفیت کار معلم، رابطه با اولیاء و غیره بر روی خواست

مستقیم حقوقها سایه بیندازد و آنرا مخدوش کند و در میان آنان تفرقه بوجود آورد. اما حقیقت روشنتر از آنست که بتوان آنرا پنهان کرد. حقیقت اینست که پایه حقوق معلمان در سال ۸۳ تنها ۱۰۶ هزار تومان خواهد بود که آنرا با هیچ طرح و برنامه دیگری نمیتوان لاپوشانی کرد و تعیین این سطح از حقوق يك بیشر می آشکار است که معلمان به آن تن نخواهند داد.

افزایش حقوق معلمان از ۸۰ هزار به ۱۰۶ هزار، آنهم در شرایطی که نرخ تورم چندین برابر افزایش یافته و صعودی افزایش می یابد، شانه بالانداختن در برابر خواست معلمان و خواست افزایش حقوقها است. این سطح از افزایش حقوقها به هیچ وجه مورد قبول معلمان نیست. این سطح از افزایش حقوق که حتی از نصف همان سطح خط فقری که رژیم اعلام کرده پایین تر است، تحمیل فقر و مستمندی بیشتر به معلمان است. تعیین ۱۰۶ هزار تومان حقوق پایه برای يك معلم، برای يك کارگر و برای هر انسانی که در آن جامعه زندگی میکند یعنی امضای حکم بی تامینی انسانها در این جامعه. یعنی اینکه معلم و یا کارگر از داشتن مسکن، بهداشت، تغذیه کافی و تامین نیازمندیهای فرزندانشان محروم باشند. یعنی امضای حکم محرومیت مطلق میلیونها انسان در این جامعه و این بدون شك با اعتراض و مبارزه معلمان، کارگران و همه اقشار محروم دیگری که در چنین شرایطی زندگی میکنند پاسخ خواهد گرفت.

خواست افزایش حقوقها امروز خواست معلمان، خواست کارگران و همه بخش های زحمتکش جامعه است و اتفاقاً زمینه برای دامن زدن به مبارزه ای سراسری و گسترده حول این خواست وجود دارد. این مبارزه ایست که هر روز دامنه آن شدت بیشتری می یابد و امروز معلمان بر سر این خواست مصر هستند و بر آن پا میفشارند. بنابراین امروز هیچ توجیهی نمیتواند از مقبولیت این خواست و مبارزه معلمان برای تحقق آن در جامعه بکاهد. اگر چیزی بطور واقع مانع آموزش دانش آموزان است، بی تامینی معلم و دو شغله بودن اوست که نمیتواند با شادابی و با انرژی کافی در کلاس درس حاضر شود. اگر چیزی امروز به امر تحصیل دانش آموزان لطمه میزند سوء تغذیه مزمونی است که در میان دانش آموزان بیداد میکند و توانایی کوچکترین تمرکز در کلاسهای درس را از آنان سلب کرده است. و بالاخره اینکه اگر چیزی مانع يك آموزش و پرورش انسانی و خلاق است، کل این سیستم و این توحشی است که جمهوری اسلامی حاکم کرده است.

باید تلاشهای رژیم را برای ایجاد شکاف در صفوف مبارزاتی معلمان و جلب حمایت وسیع جامعه از این مبارزات به شکست تبدیل کرد. باید با تمام قوا از مبارزات آنان پشتیبانی کرد. امروز معلمان کمونیست و رهبران اعتراضات معلمان بیشترین نقش را در متحد کردن صفوف معلمان، در بسیج وسیع معلمان از تمامی شهرها به برپایی يك اعتصاب بزرگ و سراسری و قدرتمند و در جلب وسیعترین حمایت ها از بخش های مختلف جامعه بر عهده دارند. باید خواستهای معلمان و در راس آن خواست افزایش حقوقها بصورت قطعنامه ای روشن در همه مراکز آموزش و پرورش نصب گردد و به پرچم مبارزه متحد همه معلمان تبدیل شود. باید قطعنامه های اعتراضی آنها در رسانه های دولتی، در سایتهای گوناگون خبری درج شود و در هر کجا که تجمعات اعتراضی بر پا میشود خوانده شود و بگوش کل جامعه برسد. مبارزه معلمان نباید منفرد بماند باید حمایت همه جامعه را به این مبارزه و خواستهای برحق آنها جلب کرد. تنها با چنین تدارکی از مبارزه متحد و سراسری است که میتوان جمهوری اسلامی را به عقب راند و بار دیگر الگویی از مبارزه متحد و سراسری را در برابر بخشهای مختلف جامعه قرار داد. \*

انترناسیونال

ماهان

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

سرمدبیر کوریش مدرسی

بزودی منتشر میشود

www.mahane.com

mahane@mahane.com



## اعتراض چایکاران و مردم در شمال ایران ادامه دارد

### جنایتکاران جمهوری اسلامی امروز به طرف مردم آتش گشودند

بنا به خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، امروز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت نیز تجمع هزاران نفر از چایکاران و مردم معترض شهرهای لنگرود و لاهیجان ادامه یافت. تمام جاده های اصلی و فرعی بین این دو شهر توسط چایکاران، جوانان و مردم معترض منطقه که به پشتیبانی از چایکاران برخاسته اند مسدود شده و شعار دادن و اعتراض علیه جمهوری اسلامی ادامه دارد. امروز پاسداران جنایتکار به طرف مردم آتش گشودند. هنوز آساری از تعداد مجروحین و جانبازگان احتمالی در دست نیست. بیشترین درگیری و تیراندازی در مناطق دیوشهر، طالش محله و کومله بوده است.

حزب کمونیست کارگری مردم آزادیخواه را به پشتیبانی از اعتراضات چایکاران و مردم مبارزه لاهیجان و لنگرود فرامیخواند. دو روز بیشتر به اول ماه مه

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۳، ۲۹ آوریل ۲۰۰۴

### از صفحه ۳ اینترنت و جمهوری اسلامی

اند تا بتوانند این منبع جهل و عقب ماندگی را بیشتر و وسیعتر در اختیار بشریت قرار دهند!

با این حساب، ترسشان از چیست؟ ترسشان از این است که میدانند زنان و جوانانی که عاشورا را

به حسین پارتی، شام غریبان را به دیسکو، چهارشنبه سوری را به روز رقص در خیابان تبدیل میکنند معلوم است که وقتی وارد اقیانوس اینترنت میشوند مستقیماً از سواحل زیبای دانش و رقص و موزیک و سکس و نقد دین و افکار آزادیخواهانه و پیشر و سکولار سر

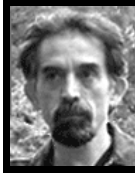
در میاورند و نه سواحل زشت و تیره و بدبو و غم انگیز تفسیر قرآن و توضیح المسائل و آخوند و تعزیه. در يك کلمه جوانانی که از دست کوسه های

اسلامی در خیابان و مدرسه و دانشگاه در رفته اند در اینترنت سراغ سواحل پر از همین کوسه ها نمیروند.

و در آخر، این سؤال در مقابل ماست که چرا پلیس جمهوری اسلامی که مسئول است شادی و

## در حاشیه رویدادها

سیاوش دانشور



### الگوی ایران خودرو

هیات به دلیل نداشتن امنیت، فضای پلیسی در شرکت و خطر اخراج و دستگیری عنوان کرده اند. قطعاً امضای "جمعی از کارگران ایران خودرو" در پای این نامه متاثر از این نکته بوده است. در اینجا يك اقدام درست، یعنی نامه نوشتن به مجامع جهانی و اعلام خواستههای کارگران، از فقدان امنیت رهبران عملی کارگری نتیجه شده است. اما این اقدام فی نفسه و مستقل از هر تناسب قوایی، موثر و ضروری است و جنبش کارگری را به سرعت به جلو میراند. همین نامه ها و اعتراضات وسیعی که به کشتار کارگران خاتون آباد و شهر بابک صورت گرفت، این رویداد را به يك واقعه جهانی تبدیل کرد. سؤالی که باید پاسخ بگیرد اینست که چگونه میتوان معضل امنیت و خطر اخراج را بعنوان سدی در مقابل طرح مطالبات کارگران منتفی کرد؟ (در این زمینه توجه فعالین کارگری را به مباحث ارزنده حمید تقوایی تحت عنوان حزب و جامعه در ایران جلب میکنم).

هدف مبارزه کارگری و حتی هدف انقلاب کارگری، نهایتاً شکستن تناسب قوای موجود و دیوار اختناق به نفع طبقه کارگر و ایجاد شرایطی برای تغییر است. کارگران ایران خودرو میتوانند در همین تناسب قوا تمام این خواستههای مشروع را متحدانه و علنی اعلام کنند. بجای امضای "جمعی از کارگران ایران خودرو" میشود با تلاش فعالین و رهبران عملی کارگران، اسم و امضای بخش کثیری از ۳۴۰۰۰ کارگر ایران خودرو را پشت این خواستها گذاشت. در مقابل چنین اقدامی، رژیم اسلامی هیچ کاری نمیتواند بکند. چنین اقدامی کل جامعه را متوجه کارگر و مطالبات کارگری میکند. به بخشهای دیگر جنبش کارگری الگو میدهد، مبارزه را سراسری میکند، حمایت و همبستگی طبقاتی را تقویت میکند، و زمینه عروج صفی از رهبران عملی و شخصیتهای شناخته شده کارگری در صحنه سیاست را تسهیل میکند.

### اول ماه مه

شواهد حاکی از آنند که روز جهانی کارگر امسال روز داغی است. اعتراض به سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و موثلفینش در عراق و خطر روزافزون تروریسم اسلامی در گوشه گوشه جهان، اول مه را به فرصتی برای محکومیت نظم نوین بوش و شرکا تبدیل کرده است. در اروپا و بویژه در ایتالیا، آلمان و فرانسه، بدون شک صفهای کارگری شعارهای اعتراضات میلیتونی ماههای گذشته را به جلو خواهند راند. اول مه امسال باید مارکس و فراخوان تغییر وضع موجود را به خیابان آورد.

در ایران اعتراض از هر منفذ جامعه میجوشد. هیچ زمانی سرمایه داری در ایران با چنین موجی از اعتراضات گسترده علیه فقر و بیحقوقی و اختناق مواجه نبوده است. کارگران صنایع بزرگ و کوچک، معدنچیان، پرستاران، معلمان، بازنشسته ها، چایکاران، و کارمندان دولتی پشت سرهم در اعتراض بوده اند. مبارزه زنان و جوانان برای نفی آپارتاید اسلامی و اختناق سیاسی و فکری و فرهنگی، جنب و جوش دانشجویان برای ماههای داغ خرداد و تیر، همه گیر شدن خواست آزادی بیقید و شرط زندانیان سیاسی، مبارزه علیه اعدام و غیره، همه میتوانند در اول مه ترکیب شوند. رژیم اسلامی از هر سو در محاصره مردم قرار گرفته است. هم اوضاع داخلی رژیم و هم موقعیت بین المللی آن وخیم تر شده است. انقلاب در ایران دارد از نان شب واجب تر میشود.

بعد از انقلاب اکبر، کمونیسم و راه حل کارگری برای آزادی کل جامعه، برای اولین بار در صد سال اخیر در ایران به يك احتمال واقعی تبدیل شده است. این امکان بوجود آمده است که نفی اختناق و دیکتاتوری سیاسی در ایران با نفی نظام سرمایه داری یکی شود. ماتریال اجتماعی و طبقاتی این تحول فراهم است؛ يك حزب متشکل کمونیستی کارگری روشن بین و سازش ناپذیر، يك جامعه ملتئب و تشنه تحول، و طبقه کارگری که دیگر آستانه تحملش تمام شده و ناچار است بعنوان ستون فقرات این تحول زیر و رو کننده نقش ایفا کند.

اول مه امسال میتواند پرچم آزادی بشر در ایران برافراشته شود!

قابل توجه علاقمندان:

آثار منصور حکمت را میتوانید از طریق سایت  
www.Ketab.com  
نیز خریداری نمایید.